

بخش های شرقی و پرجمعیت چین است که نیاز فراوانی به واردات انرژی دارد. از این رو تامین امنیت خطوط انتقال انرژی همواره یکی از مهم ترین دغدغه های رهبران چین در این منطقه بوده است. از نظر ترکیب جمعیتی، ساکنین این منطقه را ترک های مسلمان اویغوری تشکیل می دهند که از نظر قومی و مذهبی با جامعه چین تفاوت دارند. در حال حاضر ایالت سین کیانگ بیش از ۸ میلیون مسلمان ترک زبان اویغور را در خود جای داده است. در واقع این مساله ریشه اصلی ناآرامی های اخیر است. چینی های «هان» اکثریت جمعیت چین را تشکیل می دهند و مخالفان حکومت چین در سین کیانگ، دولت مرکزی را متهم می کنند که به منظور تغییر در ترکیب قومی این استان و محو فرهنگ بومی آن، «هان» ها را درمهاجرت به این بخش از چین تشویق کرده اند. مسلمانان ساکن استان سین کیانگ، دولت چین را به تلاش برای نابودی خصوصیات فرهنگی خود متهم می کنند و برخی سازمان های تندرو این بخش از چین خواستار جدایی سین کیانگ و ایجاد کشور مستقل ترکستان در این منطقه هستند.

البته ریشه این جریانات جدایی طلب به چندین دهه قبل بر می گردد. به صورت خاص دو جریان « جنبش استقلال ترکستان شرقی » و « کنگره جهانی اویغورها » به رهبری خانم رابعه غدیر را می توان از فعال ترین سازمان های جدایی طلب در منطقه سین کیانگ دانست. دولت مرکزی چین این دو سازمان را در فهرست سازمان های تروریستی قرار داده است. از جمله اقدامات دولت چین علیه سازمان های یادشده را باید عملیات نیروهای امنیت خلق در ژانویه ۲۰۰۷ دانست که طی این عملیات این نیروها موفق شدند اردوگاه آموزش های نظامی و به تعبیر چینی ها تروریستی اویغورها را در کوههای پامیر در جنوب سین کیانگ کشف کنند و با حمله به آنجا بیش از ۱۸ نفر از نیروهای جدایی طلب را کشته و دهها نفر دیگر را بازداشت کنند.

به هر روی ، منطقه سین کیانگ همواره صحنه اعتراضات قوم اویغور بوده است. هرچند به دلیل کنترل شدید امنیتی دولت چین ، این اعتراض همیشه حالت آشکار و خیابانی نداشته است. اما به مانند آتش زیر خاکستری، دولتمردان چینی را تهدید می کند. جولای ۲۰۰۹ یکی از فرصت هایی بود که اویغورها برای نشان دادن عمق اعتراضات خود به دولت مرکزی چین نشان دادند. مسلمانان اویغور به فشارهای سیاسی و مذهبی دولت مرکزی چین تحت پوشش مبارزه بر علیه تروریسم، اعتراض دارند . تا لحظه تنظیم این نوشتار، درگیری میان مسلمانان و ساکنان چینی تبار ایالت



ولی کوزه گر کالجی
پژوهشگر در
حوزه مطالعات بین المللی

تاملی بر تحولات سین کیانگ از منظر جامعه شناسی سیاسی

▼ ناآرامی های خونینی که در منطقه سین کیانگ چین در جولای ۲۰۰۹ رخ داد ، یکی از خشونت بارترین اعتراضات قومی در جامعه چین در طی چند دهه گذشته بود. حجم و شدت اعتراضات ، بر جای گذاشتن صدها کشته و هزاران زخمی و بازداشت هزاران نفر دیگر، انتشار تصاویر و فیلم های برخورد های پلیس چین با معترضان در رسانه های بین المللی، واکنش جامعه بین المللی به ویژه در کشورهای هم قوم مردم ترک زبان اویغوری ساکن منطقه از جمله ترکیه، ترک زود هنگام اجلاس گروه هشت کشور صنعتی در ایتالیا از سوی هوجین تائو رئیس جمهور چین و لغو سفر وی به پرتغال و... همه حاکی از آن است که دولت کمونیست چین با تمام سیاست های امنیتی، پلیسی و تمرکزگرایانه اش با یکی از جدی ترین چالش های امنیتی پس از حوادث خونین میدان تین آن من در ۱۹۸۸ مواجه شده است. در این نوشتار ضمن اشاره ای کوتاه به تحولات منطقه سین کیانگ، تلاش می شود ریشه ها و عوامل بروز چنین اعتراضات خونینی از بعد جامعه شناسی سیاسی با تکیه بر جامعه شناسی اقلیت های قومی مورد واکاوی قرار گیرد.

تحولات منطقه سین کیانگ

سین کیانگ یا شینجیانگ که در زبان فارسی سنجان هم نامیده می شود، نام ناحیه خودمختار بزرگی در غرب جمهوری خلق چین است. ترکستان شرقی نامی است که ترک های اویغور یعنی ساکنان بومی و اصلی از آن برای منطقه سین کیانگ استفاده می کنند . از زمانهای بسیار دور منطقه خودگردان «اویغور سین کیانگ» جزئی از کشور چین محسوب می شد و هم اکنون نیز این ناحیه، قلمرویی از چین به حساب می آید. مساحت ۱/۶۶ میلیون متر مربعی این استان، حدود یک ششم کل کشور پهناور چین را دربر می گیرد که آن را جزء یکی از بزرگترین نواحی کشور قرار داده است. این استان دارای ۵۶۰۰ کیلومتر مرز مشترک با روسیه، قزاقستان و تاجیکستان در غرب و افغانستان، پاکستان و هند در جنوب غربی می باشد. شهر اورومچی، مرکز ایالت سین کیانگ است. منطقه سین کیانگ یکی از مهم ترین مناطق کشور چین از نظر برخورداری از منابع نفت خام است و مهم ترین مسیر انتقال انرژی روسیه و کشورهای آسیای مرکزی به



سین کیانگ، صدوچهل کشته و بیش از هشتصد زخمی برجای گذاشته است. حمله مسلمانان اوغور به ساکنان چینی سین کیانگ با انتشار خبر سرکوب اوغورهای جنوب چین آغاز شد. بنا به گفته یکی از مسئولان سازمان دیده‌بان حقوق بشر، درگیری قومی اخیر چین، شدیدترین نوع شورش قومی بوده است که از انقلاب فرهنگی چین بین سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۷۶ تاکنون به وقوع پیوسته است. هر چند پیش‌بینی می‌شود که دولت مرکزی چین با اعزام نیروهای کمکی از سایر مناطق، سرکوب شدید معترضان و کنترل امنیتی در نهایت بتواند بر اوضاع مسلط شود، اما به دلیل عمق و ریشه‌های تاریخی و جامعه شناختی این پویش، به نظر می‌رسد این بحران در مقاطع دیگری بروز و نمود پیدا کند. در ادامه تلاش خواهیم کرد تا به صورت فشرده، به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که چه عواملی باعث بروز این بحران شده است؟ و چرا امکان تداوم این بحران در آینده نیز وجود دارد؟ چگونه می‌توان به صورت کامل و مسالمت آمیز این مساله را حل نمود؟ آیا چنین چیزی امکان پذیر است؟

تحلیل جامعه شناختی

مفروض اصلی و به عبارتی بهتر مدل تحلیلی این نوشتار تلافی سه متغیر مدیریت نادرست سیاسی در سطح داخلی، وجود جریانات فرا ملی تأثیرگذار بر پویش ناسیونالیسم قومی در فضای پس از جنگ سرد در سطح میانی و کیفیت ساختار نظام بین الملل و بازیگران دخیل در سطح بین المللی است. تلاش خواهیم کرد ضمن توضیح هریک از سطوح، در تطبیق این مدل انتزاعی با واقعیات عینی منطقه سین کیانگ، مصادیق و نتایج آن را مورد واکاوی قرار دهیم.

در سطح ملی، مدیریت نادرست سیاسی و عدم اجرای الگوی وحدت در عین کثرت از سوی دولتمردان چینی و توزیع افقی قدرت، ایجاد ذهنیت منفی و ترکیب آن با واقعیات عینی مانند نابرابری های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی (بر اساس تئوری عوامل ذهنی و عینی راتچاپلند و شاپفلین)، پیوستگی تاریخی و جغرافیایی با اقلیت هم نام در آن سوی مرز یعنی کشورهای ترک زبان ازبکستان، قزاقستان و... در آسیای مرکزی (بر اساس مدل های نه گانه پیتر هاگت) موجب شکل‌گیری شکاف اجتماعی متراکم (Reinforcing Cleavages) در منطقه سین کیانگ گشته است و به تبع آن پتانسیل تجزیه طلبی و استقلال خواهی از دولت مرکزی به نقطه اوج خود رسید.

دولت مرکزی چین هرچند با اعطای خودمختاری تلاش نمود تا دست به توزیع عمودی (غیرمتمرکز) قدرت در قبال منطقه سین کیانگ بزند اما ماهیت توتالیتر و اقتدارطلب کمونیستی رژیم حاکم اجازه پویش مستقل و مطابق با خواسته های مردم این منطقه را نداده است. تشویق مهاجرت چینی های هان (قوم اکثریت) با هدف تغییر ترکیب جمعیتی در راستای چینی سازی منطقه، عدم توزیع مناسب و عادلانه درآمدهای منطقه به ویژه از محل فروش و ترانزیت انرژی و اختصاص بودجه بیشتر به چینی های هان، سهیم نکردن اوغورها در ساختار رسمی قدرت

در دولت مرکزی و عدم توجه به منزلت اجتماعی آن‌ها از جمله دین، فرهنگ بومی و... موجب شد تا این مسایل بر تفاوت قومی و مذهبی قوم اوغور به اصطلاح جامعه شناسی «بار شود» و شکاف اجتماعی متراکم شکل بگیرد. در صورتی که اگر دولتمردان چینی سیاست های صحیح تری اتخاذ می‌کردند می‌توانستند این شکاف را تبدیل به شکاف متقاطع (Crosscutting Cleavages) نموده و در نتیجه موجبات کاهش پتانسیل تجزیه طلبی را فراهم نمایند.

در سطح میانی وجود جریانات فرا ملی تأثیرگذار بر پویش ناسیونالیسم قومی در فضای پس از جنگ سرد مانند رستاخیز هویت های قومی در پی پایان یافتن رقابت های ایدئولوژیک، فرایند جهانی شدن (دیالکتیک عام گرایی و خاص گرایی)، تأثیر تکنولوژی و فن‌آوری اطلاعات (شکل‌گیری شبکه سربینتیک خارج از حاکمیت دولت‌ها)، اندیشه جزء نگر، هنجار گریز و ساختار شکن پست مدرن، حاکم شدن گفتمان نسبی گرایی فرهنگی در پیوند با احترام به اصل تنوع فرهنگی، گسترش گفتمان حقوق بشر و در نهایت شکل‌گیری نظام حقوق اقلیت‌ها در چارچوب حقوق بین‌الملل موجب خودآگاهی اقلیت‌های قومی در سرتاسر جهان از جمله در منطقه سین کیانگ گردید و به تعبیر مارکس اقلیت‌های قومی را از «طبقه در خود» به «طبقه برای خود» تبدیل نمود که این امر هرچند به صورت غیرملموس ولی تأثیرگذار موجب تشدید گرایشات تجزیه طلبانه در این منطقه از چین گشت.

از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی، نیروها و گروه های اجتماعی به صورت تصادفی پیدا نمی‌شوند، بلکه مبتنی بر علایق گوناگونی در درون ساخت جامعه هستند. چنین علایقی معمولاً حول شکاف‌های اجتماعی شکل می‌گیرند. برخی از شکاف‌های اجتماعی مانند شکاف‌های فرهنگی، قومی، زبانی و مذهبی محصول تصادفات تاریخی و چگونگی تکوین یک کشور از نظر تاریخی بوده‌اند. از نظر تأثیرگذاری بر زندگی سیاسی شکاف‌های اجتماعی را باید به شکاف‌های فعال (بیدار) و غیرفعال (خفته) تقسیم کرد.

شکاف قومی در منطقه سین کیانگ برای مدت زیادی، حالت غیر فعال (خفته) داشت اما با فروپاشی شوروی و پایان رقابت‌های ایدئولوژیک جنگ سرد، این شکاف‌های قومی در پیوند عمیق با مساله هویت به شکاف های فعال (بیدار) تبدیل شدند. هانتینگتون در این زمینه معتقد است که «پرسش شما کدام طرفی هستید؟ جای خود را به پرسش بنیادی‌تر شما کیستید؟ داده است. دهه ۹۰ قرن حاضر شاهد پیدایش بحران هویت در سطح جهان بوده است. تقریباً به هر کجا که نگاه کنید مردمی را می‌بینید که می‌پرسند: ما که هستیم؟ به کجا تعلق داریم؟ و که نیستیم؟ آنچه که برای افراد در فائق آمدن بر بحران هویت به کار می‌آید پیوندهای خونی و خانوادگی، و ایمان و اعتقاد است. انسان‌ها به کسانی روی می‌آورند که با ایشان نیاکان، دین، زبان، ارزش‌ها و نهادهای مشترک داشته باشند، و از کسانی که با آن‌ها این وجوه اشتراک را نداشته باشند، فاصله می‌گیرند»

در حقیقت پایان جنگ سرد، رستاخیز هویت های قومی و نژادی در سرتاسر جهان بود. این امر نکته‌ای است که مانوئل کاستلز در گفت و گوی خود با مارتین اینس بدان اشاره می‌کند: «دراکثر نقاط جهان ما شاهد بازگشت به هویت هایی هستیم که ریشه در تاریخ و قومیت دارند. این هویت‌ها با استفاده از تصوراتی درباره تاریخ برخاسته می‌شوند، چون اکثر مردم خواهان هویتی با ریشه‌های عمیق هستند نه هویتی که به تازگی ایجاد شده باشد».

نکته دومی که در باره علت فعال شدن شکاف قومی در سطح جهان به صورت عام و در سین کیانگ به صورت خاص باید بدان اشاره نمود، فرایند جهانی شدن است. درحقیقت جهانی شدن تعامل دیالکتیکی عام‌گرایی با خاص‌گرایی است. «با فروریزی فزاینده مرزهای سیاسی و فرهنگی و ادغام روزافزون جوامع در جامعه‌های جهانی، در عین حال که فرهنگ‌های خاص گوناگون به یکدیگر نزدیک می‌شوند و فرهنگ‌های عام نیز شکل می‌گیرند، توسل به عناصر هویت بخش فرهنگی هم تشدید می‌شود»





« در چارچوب مباحثی چون فشرده شدن زمان و مکان و با استفاده از رهیافت های پست مدرن در تاکید بر تفاوت ها (برخلاف نگاه تعمیم نگر مدرن) پدیده » خاص گرایی فرهنگی « شکل می‌گیرد. و در این میان ابزاری که جهانی شدن بویژه در عرصه ارتباطات در اختیار اقلیت‌ها قرار می‌دهد موجب می‌شود که آن‌ها بتوانند توانایی‌ها و ضعف‌های خود را در مقایسه

عمومی ترکیه نیز اعتراضات گسترده‌ای از راهپیمایی اعتراض‌آمیز ، تجمع در مقابل سفارت چین در آنکارا ، آتش زدن و تحریم کالاهای چینی، تشییع جنازه نمادین قربانیان ... صورت گرفت. این حمایت بین‌المللی نیز موجب تشدید مقاومت اوغورها و پایبندی بیشتر آن‌ها به ادامه اعتراضات در آینده می‌شود. این که آن‌ها نیستند و صدایشان در جهان شنیده می‌شود .

کشور و استقلال اقلیت قومی) که در این بخش نقش آن بر عهده کشورهای غربی و نیز ترک زبان بود.

دخالت قدرت‌های غربی در مسایل قومی دارفور در سودان با هدف کنترل بر منابع نفتی این منطقه و یا مداخله در بحران کوزوو برای تحت فشار قراردادن روسیه در حوزه ژئوپلیتیکی‌اش نمونه‌هایی از نقش قدرت های بزرگ در تشدید قوم‌گرایی است. نمونه بارز حمایت یک قدرت خارجی و به عبارتی قوم هم نام از یک اقلیت در سرزمین دیگر را باید حمایت سرسختانه روسیه در تابستان سال گذشته از جدایی‌طلبان آبخازی و اوستیای جنوبی در گرجستان دانست. در این جریان اقلیت ساکن در اوستیای جنوبی و آبخازیا نیز تشدید اختلاف بین روسیه و جهان غرب را فرصتی تاریخی برای استقلال از گرجستان تلقی نمودند و با آگاهی از این که مسایل کلانی چون عصبانیت روسیه از استقلال کوزوو ، تهدید امنیت ملی روسیه به دلیل گسترش ناتو به قفقاز و نیز سیاست های ضد روسی دولت گرجستان ، پشتوانه مناسبی را فراهم نموده است ، به تقابل آشکار با دولت مرکزی گرجستان روی آوردند و در پرتو حمایت یک قدرت بزرگ توانستند به استقلال دست یابند .

در مورد منطقه سین کیانگ نیز ترکیه با توجه به گرایش های پان ترکیستی و حمایت از همه ترک زبانان در جهان درصدد حمایت از ترک های اوغور برآمده است. هرچند وضعیت این کشور در قبال چین تا حد زیادی متفاوت از موضع روسیه در قبال گرجستان است. از این رو است که شاهد هستیم رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه پیش از حرکت به ایتالیا برای شرکت در اجلاس گروه هشت در استانبول اعلام کرد، در صورت مراجعه ، ترکیه برای ورود خانم رابعه غدیر رهبر ترک‌های تبعید شده اوغور چین روایتی صادر خواهد کرد. در سطح افکار

با دیگران به صورت ملموسی درک نمایند و از آنجا که هویت از قرار گرفتن « خود » (Self) در مقابل « دیگری » (Other) شکل می‌گیرد ، یکی از پیامدهای جهانی شدن مساله هویت سازی است . به تعبیر ژان ماری گنو خیزش مذهب ، قومیت و ناسیونالیسم ، واکنش علیه دنیای کارکردی محض جهانی شدن است.

در کنار مسایل هویتی و تاثیرات هویت ساز ناشی از فرایند جهانی شدن و پایان نظام دوقطبی و رقابت های ایدئولوژیک، یکی از مهم ترین مسایل در فرایند خودآگاهی اقلیت‌ها در جهان و گسترش دامنه و شدت اعتراضات آن‌ها را باید بهره‌گیری از امکانات ارتباطی مانند ماهواره، اینترنت (فیس بوک، ایمیل، یوتیوب و...) ، تلفن همراه و... دانست که امکان ارسال تصاویر و فیلم های اعتراضات قومی در هر نقطه جهان را در کمترین زمان ممکن و آن هم خارج از کنترل دولت‌ها فراهم ساخته است. در ناآرامی های اخیر سین کیانگ نیز، این فن آوری های ارتباطی به کمک اقلیت اوغور آمد و آن‌ها توانستند با انتشار تصاویر و فیلم های سرکوب معترضان توسط نیروهای چینی ، با تحریک احساسات مردم جهان ، توجه افکار عمومی ، دولت ها و نهادهای بین المللی را به سوی خود جلب نمایند.

در سطح بین المللی نیز در ساختار تک قطبی و در حال گذار نظام بین الملل ، تعداد جنگ های داخلی و منطقه‌ای از جمله مناقشات قومی از میزانی بالا برخوردار است درحالی که دامنه و شدت این مناقشات کوتاه است. همچنین سیاست بازیگران دخیل را می‌توان در دو دسته مورد توجه قرار داد. طرفداران حفظ وضع موجود (در اینجا خواهان حفظ یکپارچگی سرزمینی) که در مورد سین کیانگ نقش آن بر عهده کشورهایمانند روسیه بود و طرفداران تغییر وضع موجود (در اینجا خواهان تجزیه یک

به طور کلی چین درسه منطقه سین کیانگ ، تبت (به رهبری دلایی لاما) و تایوان که چین آن را بخش جدایی‌ناپذیر خود می‌داند، با مشکل تجزیه طلبی روبه رو است. پس از الحاق موفقیت‌آمیز هنگ کنگ به چین در سال ۱۹۹۷ ، دولتمردان چینی تلاش نمودند تا کنترل کامل دولت مرکزی را بر دیگر مناطق نیز اعمال کنند. اما تا کنون در این زمینه به توفیق آشکاری دست نیافتند. چنانچه در این مقاله بدان اشاره شد ، تلاقی سه جریان مدیریت نادرست سیاسی و به عبارتی اعمال سیاست اقتدارگرایانه و از بالا به پایین در قبال اقلیت‌های قومی و مذهبی در سطح ملی، وجود جریانات فرا ملی تاثیرگذار بر پویای های ناسیونالیسم قومی در سطح میانی و ساخت نظام بین‌الملل و سیاست بازیگران بین‌المللی موجب تداوم پویای ناسیونالیسم قومی و مذهبی در مناطق جدایی طلب چین از جمله منطقه سین کیانگ شده است. به نظر می‌رسد با توجه به پویای و تاثیرگذاری مستمر جریانات فرا ملی و ساختار و سیاست بازیگران نظام بین‌الملل ، تنها راه پیشگیری از وقوع این بحران و نیز تداوم آن در آینده ، اصلاح ساختار سیاسی و اجرای الگوی وحدت در عین کثرت مبتنی بر بافت چند قومی جامعه چین است که سیاستمداران چینی تاکنون از اجرای آن غافل مانده‌اند. در غیر این صورت ، حتی اگر با اعمال سیاست های پلیسی و امنیتی ، دولت مرکزی چین بتواند بر این بحران نیز فایق آید ، نخواهد توانست به صورت دائم و ریشه‌ای این قضیه را حل و فصل نماید و بحران قومی در سین کیانگ به مانند آتش زیر خاکستر در زمانی دیگر و با بهانه و فرصتی دیگر سرباز خواهد کرد و شعله های آن باردیگر امنیت ملی چین را با تهدید و چالش جدی مواجه خواهد ساخت. ▲

۶۰ هزار خواننده و بیننده در هر ماه ، اعتباری است که افکار عمومی برای نشریه گزارش قایل است

مطالب، مقاله ها، ترجمه‌ها و نظرات خود را به شماره ۰۲۱-۸۸۸۳۳۳۶۱ و یا به پست الکترونیکی: info@gozareh.com ارسال نمایید.

تهران - صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۴۶۷
تلفن اشتراک و سفارش آگهی: ۰۲۱-۸۸۸۳۳۷۸۱

ماهنامه گزارش
اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی